

حادثه قیامت

پیشتر گفتیم که قرآن کریم تعابیر گوناگونی را برای حادثه قیامت بیان می‌کند. تعابیری همچون نفخ در صور، صیحه آسمانی، زلزله، قارعه (کوبنده)، بطش (هجوم خشمگین) و برق (نور خشمگین) از جمله آن‌هاست. حال سؤال این است که آیا این تعابیر بیانگر حوادث گوناگون هستند یا همگی چهره‌های گوناگونی از یک حادثه را بیان می‌کنند. در این مقاله در حد امکان، براساس آیات کریم، به این پرسش پاسخ می‌دهیم.

به نظر می‌رسد که همه این تعابیر از یک واقعه حکایت دارند: جرم آسمانی بزرگی به سوی زمین حمله می‌کند و زمین را با ضربه‌ای محکم می‌کوبد. با ورود آن به جو زمین و سوختن آن بر اثر اصطکاک با جو، نوری خیره‌کننده از آن به وجود می‌آید که صدای ورود آن به جو یا منفجر شدن آن به صورت صیحه‌ای هولناک شنیده می‌شود. قرآن، این جرم بزرگ را «صور» و صیحه حاصل از آن را «نفخ در صور» نامیده است. در این مقام معنای صور و مراد از آن را هنگام وقوع قیامت تبیین خواهیم کرد.

مراد از صور

در «قاموس اللغه و اقرب الموارد» آمده است: «صور شاخی است که در آن می‌دمند». راغب اصفهانی می‌گوید: «بنا بر قولی، صور مانند شاخی است که در آن می‌دمند. خداوند آن را وسیله بازگشت صورت‌ها و ارواح به اجسامشان قرار می‌دهد.»^۱ (قرشی، ۱۳۷۱: ذیل واژه صور).

قرآن مجید از «نفخ در صور» با تعبیر «نقر در ناقور» نیز یاد کرده است و می‌فرماید: (فاذا نقر فی الناقور) * فذلک یومئذ یوم عیسر * علی الکافرین غیر یسیر (مدثر/ ۱۰ - ۸)

آن روز که در ناقور - صور - دمیده شود، آن روز، چه روز ناگواری است، بر کافران سهل و آسان نخواهد بود.

تعبیر «ناقور» نشان می‌دهد که صور به معنای صرنا و شیپور است نه جمع «صورة» که برخی بدان اشاره کرده‌اند. چرا که «نفخ در صور» با «نقر در ناقور» مترادف



قیامت مرحله نخست واقعه قیامت

دکتر سید محسن میرباقری
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

اشاره

در مقالات پیشین چهار دوره وجودی انسان بررسی شد. در دوره نخست (پیش از دنیا)، از انسان‌ها پیمانی مبنی بر بندگی آن‌ها گرفته می‌شود. دوره دوم همان زندگی دنیوی است که انسان‌ها در این دوران، آخرت خود را رقم می‌زنند. دوره سوم، یعنی دوران برزخ که فاصله میان دنیا و آخرت است، هم‌زمان با لحظه مرگ آغاز می‌شود. دوره چهارم هم دوره آخرت است و با برپایی حادثه قیامت شروع می‌شود. براساس آیات قرآن، شکل‌گیری قیامت نیز دو مرحله دارد: مرحله نخست، برچیده شدن حیات از کره زمین و مرحله دوم برپایی صحنه حسابرسی اعمال. در جلسه پیشین مرحله برچیده شدن حیات از کره زمین را بیان کردیم. در این جلسه به مرحله دوم می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها:

مرگ، برزخ، قیامت، بهشت، جهنم.



نمی‌شود (بهبودی، ۱۳۸۰: ۷۶). برای «صور» و «نخ در صور» دو امر می‌توان تصور کرد نخست آنکه نخ در صور تعبیری نمادین است؛ چنان‌که در پادگان‌های نظامی یک شیپور برای خواب نواخته می‌شود و شیپور دیگر بیدارباش است.

دوم آنکه افزون بر موارد مذکور، این صیحه و صدای مهیب با چیزی صورت می‌پذیرد که واقعا به شیپورهای بشری شباهت دارد و می‌توان آن را شیپور آسمانی نامید. با توجه به اینکه شیپورها در قدیم به شکل شاخ گاو درست می‌شدند، شیپور حادثه‌ی قیامت می‌تواند چیزی شبیه به آن باشد.

در میان اجرام آسمانی و شهاب‌سنگ‌ها تعدادی از آن‌ها دنباله‌دارند. یک سنگ بزرگ که تعدادی از سنگ‌ها، گازها و آب را به دنبال خود می‌کشاند، «ستاره‌ دنباله‌دار» نام دارد. تعداد ستارگان دنباله‌دار در منظومه‌ی شمسی فراوان است و به شکل‌هایی گوناگون وجود دارند. برای نمونه، ستاره‌ی دنباله‌دار «هالی» مسیر خود را در مدت ۷۶ سال طی می‌کند و منظومه را دور می‌زند و گرد خورشید طواف می‌کند. دو بار اخیر که این ستاره رؤیت شده، در سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۸۶ میلادی بوده است.^۲

چندی پیش رسانه‌ها از ستاره‌ی دنباله‌دار بزرگی خبر دادند که مسیر آن به گونه‌ای است که پیوسته به زمین نزدیک می‌شود، به طوری که در ۱۴ اوت ۲۱۲۶، مطابق با ۲۳ مرداد ماه ۱۴۹۵ به نزدیک‌ترین فاصله‌ی خود به زمین می‌رسد و اگر به کره‌ی زمین برخورد کند، حیات را از بین می‌برد. زیرا انفجار حاصل از آن از انفجار یک میلیون بمب هسته‌ای نیز قوی‌تر خواهد بود.^۲ این مطلب نتیجه‌ی گزارش یک متخصص خرده‌سیارات در کنفرانسی در استرالیا است. به گفته‌ی این متخصص (اسمیت)، گلوله‌ی بزرگی از یخ و سنگ در راه است و آنچنان به سرعت به سوی زمین می‌شتابد که در صورت برخورد، جهان را در ظلمت فرو خواهد برد. اسمیت که کارشناس برجسته‌ی خرده‌سیارات و رهبر بزرگ‌ترین تیم اکتشافی خرده‌سیارات است، درباره‌ی این حادثه می‌گوید: نیروی ضربتی که از آن حاصل می‌شود، با ۲۰ میلیون مگا تن برابر است. هر مگا تن یک میلیون تن است؛

یعنی ۱/۶ میلیون برابر نیروی بمبی که در هیروشیما از آن استفاده شد.

این جرم آسمانی در سال ۱۸۶۲ کشف شد و تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۵ (۵ مهر ۱۳۷۱) دیگر دیده نشد. ستاره‌شناسان از آن زمان به رصد کردن این جرم آسمانی که با سرعت ۶۰ کیلومتر در ثانیه، یعنی بیش از ۲۰۰ هزار کیلومتر در ساعت حرکت می‌کند، مشغول‌اند. به عقیده‌ی اسمیت، محاسبات امکان برخورد این سیاره‌ی دنباله‌دار با زمین را رد نمی‌کنند، ولی برای به دست آوردن نتایج قطعی باید محاسبات دقیق‌تری انجام داد. اگر قرار باشد که این جرم به زمین برخورد کند، تصادم مزبور در ۲۳ مرداد ۱۴۹۵ خواهد بود، چون در آن تاریخ فاصله‌ی آن با زمین به کمترین حد خود می‌رسد. او در ادامه می‌گوید: «صدها هزار خرده‌سیاره (سنگ‌های آسمانی) که گرد خورشید می‌گردند، در میان مدار مریخ و مشتری در حال گردش‌اند و هیچ خطری برای زمین ندارند. اما حدود سه هزار خرده‌سیاره هست که قطرشان از یک کیلومتر بیشتر است مدار زمین را قطع می‌کنند. این‌ها کم و بیش برای زمین خطر دارند. از آن میان، از ۱۲۵۰ خرده‌سیاره، سیاه‌برداری شده است. ۱۵ دانشمند در سراسر جهان مدارهای آن‌ها را محاسبه کرده‌اند و وضعیت بقیه به‌طور دقیق معلوم نیست.»

به گفته‌ی اسمیت، اگر شیئی به قطر یک تا دو کیلومتر با زمین برخورد کند، حدود ۷۵ تا ۹۵ درصد از آدمیانی که روی این سیاره زندگی می‌کنند، نابود می‌شود؛ چه این شهاب‌سنگ در اقیانوس فروافتد، چه در خشکی. در سال ۱۹۰۸ در ارتفاع تقریباً هشت کیلومتری منطقه‌ای غیرمسکونی در سیبری شوروی، یک خرده‌سیاره یا سیاره‌ی دنباله‌دار منفجر شد. نکته‌ی مهم این است که این دنباله‌دارها با آن سرعت عجیبی که دارند، وقتی وارد جو زمین می‌شوند، جو مقابل خودشان را به شدت فشرده می‌کنند و مثل اینکه به شیء جامدی برخورد کرده باشند، منفجر می‌شوند. زمانی که وارد جو می‌شوند، بر اثر حرارت زیاد می‌سوزند و اگر منفجر شوند، تکه پاره‌های آن‌ها گداخته هستند.

چندی پیش رسانه‌ها از ستاره‌ی دنباله‌دار بزرگی خبر دادند که مسیر آن به گونه‌ای است که پیوسته به زمین نزدیک می‌شود، به طوری که در ۱۴ اوت ۲۱۲۶، مطابق با ۲۳ مرداد ماه ۱۴۹۵ به نزدیک‌ترین فاصله‌ی خود به زمین می‌رسد و اگر به کره‌ی زمین برخورد کند، حیات را از بین می‌برد. زیرا انفجار حاصل از آن از انفجار یک میلیون بمب هسته‌ای نیز قوی‌تر خواهد بود

خرده‌سیاره‌ای که ۲۴ متر قطر داشته باشد و با سرعت ۸۰ هزار کیلومتر در ساعت به جو زمین وارد شود، هوای جلوی خود را فشرده می‌کند؛ تقریباً به حال سکون می‌رسد



در سال ۱۹۶۸ در منطقه‌ای غیرمسکونی، یک خرده سیاره یا ستاره دنباله‌دار منفجر شد. این انفجار درختان محوطه را با دامنه صدها کیلومتر مربع به کلی سوزاند و زمینی کاملاً بایر و سوخته بر جای گذاشت. دانشمندان از چگونگی انفجار و خسارت وارد آمده، برآورد کرده‌اند که جرم منفجر شده دست کم ۶۰ متر قطر داشته است. این تنها یک سنگ ۶۰ متری بوده که وارد جو زمین شده پس از انفجار این حادثه را ایجاد کرده است. حال اگر قطر آن ۶۰۰ متر یا پنج کیلومتر شود، انفجاری حدود ۱۲ مگا تن ایجاد می‌کند. شهاب‌سنگ‌ها که خرده سیارات یا بقایای سیاره‌های دنباله‌دار هستند، مرتب وارد جو زمین می‌شوند. بعضی از آن‌ها کوچک‌اند و بر اثر گرمای حاصل از اصطکاک با جو زمین می‌سوزند و خاکستر می‌شوند، ولی سوختن و خاکستر شدن یک خرده سیاره بزرگ به این آسانی نخواهد بود.

خرده‌سیاره‌ای که ۲۴ متر قطر داشته باشد و با سرعت ۸۰ هزار کیلومتر در ساعت به جو زمین وارد شود، هوای جلوی خود را فشرده می‌کند؛ به گونه‌ای که تقریباً به حال سکون می‌رسد. در این حالت انفجار مهیبی که مشابه انفجار یک بمب یک مگا تنی است، روی می‌دهد که برق و صیحه نیز دارد. محاسبات نشان می‌دهند که هر ۳۰ سال یکبار به‌طور متوسط یک خرده‌سیاره با انرژی تخریبی یک مگا تن به جو زمین وارد می‌شود که یکی از آن‌ها همان بود که به منطقه سیبری خورد، ۶۰ کیلومتر را لرزاند، صدایش تا فاصله هزار کیلومتری رفت و حفره‌ای به قطر یک کیلومتر ایجاد کرد. خرده سیاره بزرگ‌تر دیگری با قدرت انفجاری ۲۰ مگا تن هر ۴۰۰ سال و خرده‌سیاره دنباله‌دار یک کیلومتری که قدرت انفجاری‌اش ۱۰ هزار مگا تن است، هر ۱۰۰ هزار سال یکبار می‌توانند وارد جو زمین شوند.

بعضی از خرده‌سیارات در سفر آتشین خود به زمین، از جو می‌گذرند و به سطح زمین می‌رسند. این به سرعت، اندازه و ترکیب آن خرده سیارات بستگی دارد. برخی از آن‌ها تماماً می‌سوزند، اما گاه یک مقدار از آن‌ها

می‌سوزد و بقیه آن با زمین برخورد می‌کند. بیشتر آن‌ها به شکل سنگ‌ریزه یا تخته سنگ کوچک هستند، ولی گاهی بزرگ‌تر از آن هم یافت می‌شود.

دانشمندان بر این باورند که در فاصله میان ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار سال پیش، یک شهاب‌سنگ آهنی به قطر ۴۰ متر (و نه بیشتر) و با قدرت ۱۵ مگا تن در صحرای آمریکا فرود آمد. این ضربت گودالی به قطر ۱/۲ کیلومتر با عمق ۱۸۰ متر ایجاد کرد. ولی تهدیدهای بزرگ‌تری نیز از سوی ظلمات اعماق فضا در کمین ماست. دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که در گذشته دور اشیایی با قطر چند کیلومتر به‌سوی زمین آمده و میلیون‌ها تن گرد و غبار در جو پراکنده کرده‌اند. به‌طوری که برای ماه‌ها یا سال‌ها جلوی اشعه خورشید را گرفته‌اند و نگذاشته‌اند نور آن به زمین برسد و این امر باعث نابودی دسته‌جمعی جان‌داران شده است. برخی بر این باورند که دایناسورها بر اثر چنین حادثه‌ای از بین رفته‌اند. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که سقوط شهاب‌ها به جو زمین بیشتر از آن است که تاکنون احتمال می‌رفت. گفته می‌شود که روزانه دست‌کم ۵۰ شهاب بزرگ از فاصله‌ای کمتر از فاصله زمین تا کره ماه، از کنار زمین می‌گذرند که می‌توانند خطر آفرین باشند. دانشمندان به تازگی موفق به رؤیت هشت شهاب بسیار بزرگ فضایی شده‌اند که بین پنج تا صد کیلومتر قطر دارند.

ماجرای قوم لوط

با توجه به نکاتی که قرآن کریم درباره قوم لوط بیان می‌کند، به‌نظر می‌رسد که آنچه برای قوم لوط پیش آمده، حادثه‌ای حاصل از سقوط شهاب‌سنگ آسمانی بوده است. فرشتگانی که مأمور نزول عذاب بر قوم لوط بودند، وارد خانه حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) شدند. ابراهیم خلیل‌الله، پس از آنکه بشارت تولد فرزند را از آن‌ها شنید (هود/ ۷۱)، پرسید:

(قال فما خطبکم ایها المرسلون * قالوا انما ارسلنا الی قوم مجرمین * لئیرسل علیهم حجارة من طین * مسومة عند

را خواهند دید که به سرعت بزرگ می‌شود تا به حد یک خورشید می‌رسد. اگر هم روز باشد، ناگهان خورشید دومی در آسمان ظاهر می‌شود؛ آن قدر روشن که چشم‌ها را کور می‌کند و آن قدر داغ که پوست را می‌سوزاند. ولی این خورشید مدت زیادی در آسمان نخواهد ماند. طلوع خورشید شبانگاهی یا خورشید دوم، طلیعه مرگ و تاریکی مطلق است.^۴ حدود ۳۰ ثانیه پس از دیده شدن خورشید، انفجار عظیمی اتفاق می‌افتد؛ انفجاری که تکان‌های مخوفی در تمام زمین ایجاد می‌کند (حتی پیش از برخورد با زمین). هیچ بنایی در برابر موج آن انفجار مقاومت نخواهد کرد و تا صدها فرسنگ از محل انفجار، تنها خاکستری از آدمیان، جانوران و گیاهان باقی خواهد ماند. اصلاً بعید است که موجود زنده‌ای بتواند روی زمین از آن جان به در ببرد. آن‌گاه نوبت به تغییرات جوی خورشید می‌رسد. ابری از گرد و خاک به قطر ۱۰ کیلومتر زمین را فرا خواهد گرفت که به کلی از رسیدن نور خورشید به زمین جلوگیری خواهد کرد و حتی اگر موجود زنده‌ای از این انفجار سهمناک جان سالم به در برده باشد، در این ظلمت وحشتناک نابود خواهد شد.

گویا درباره قیامت هم، چنین حادثه طبیعی صورت می‌گیرد و با ضربه‌ای کار تمام می‌شود.

ماجرای واقعه قیامت

قرآن کریم می‌فرماید:

(إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * لَيْسَ لَهَا كَافِيَةٌ * خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ * إِذَا رَجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا * وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا * فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا) (واقعه / ۶ - ۱): آن‌گاه واقعه قیامت رخ دهد. در وقوع این حادثه هیچ دروغی وجود ندارد (شوخ نیست، بلکه حقیقتی است که رخ خواهد داد). حادثه‌ای که زیر و رو می‌کند، قسمت‌های بالای زمین را پایین می‌برد و پایین را بالا می‌آورد تا مرحله‌ای که به صورت ذرات گرد و غبار پراکنده منتشر شوند.

با توجه به مباحثی که گذشت، تا این قسمت از سوره از متلاشی شدن پوسته زمین سخن رفته است. همچنین گفته شد که در این حادثه، خورشید دچار پیچشی

ریک للمسرفین * فاخرجنا من كان فيهما من المومنين) (ذاریات / ۳۵ - ۳۱): ای مأموران الهی برنامه بعدی چیست؟ گفتند ما به سوی مردمی تبه‌کار و مجرم گسیل شده‌ایم تا سنگ‌پاره‌هایی از گل - گداخته - بر سر آنان فرو اندازیم که نزد پروردگارت برای مسرفان علامت‌گذاری شده است. ما همه مؤمنان را از آن شهر - قبل از فرا رسیدن عذاب - بیرون می‌بریم.

قرآن کریم درباره این ماجرا می‌فرماید: (فاخذتهم الصيحة مشرقين) (حجر / ۷۳): با طلوع سپیده‌دم غرشی سهمگین آنان را فرا گرفت.

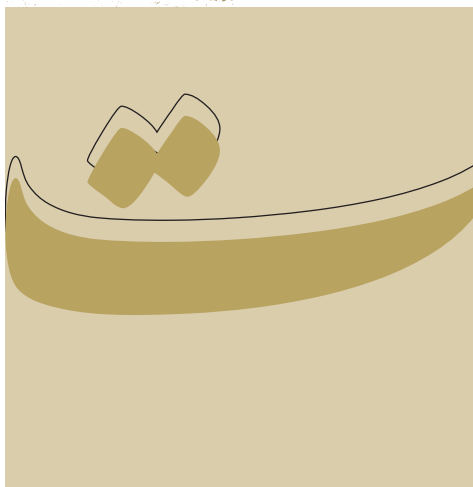
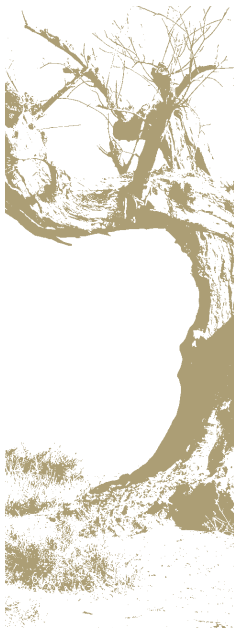
در جای دیگری می‌فرماید: (و امطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرین) (نمل / ۸۵): بارانی بر آن‌ها فرو باریدیم و بارانی که پس از هشدار باشد، چه بد بارانی است.

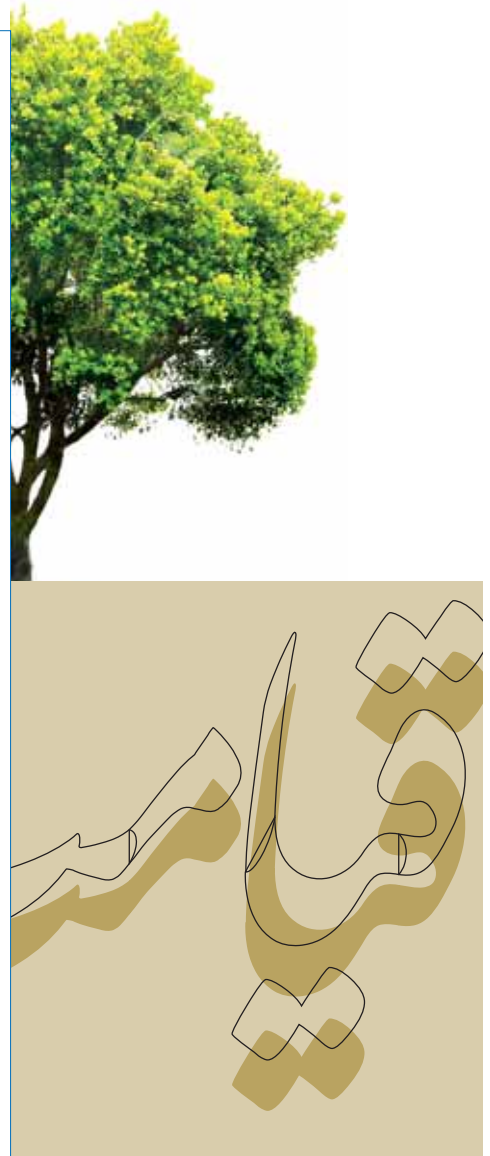
و نیز می‌فرماید: (فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها و امطرنا عليها حجارة من سجيل منضود * مسومة عند ربك و ما هي من الظالمين ببعيد) (هود / ۸۲ - ۸۳): پس چون فرمان ما آمد، آن شهر را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ‌های لایه‌لایه بر آن‌ها بارانیدیم؛ سنگ‌هایی که نزد پروردگارت نشان‌زده بودند. این نوع عذاب از ظالمان به دور نیست.

گویا مجازات قوم لوط با صیحه و غرشی سهمگین آغاز شده است. یک شهاب‌سنگ بزرگ که توسط فرشتگان مأمور و با انرژی‌هایی که در اختیار داشتند حساب‌شده و هدایت‌یافته و از بالای سر قوم لوط وارد جو زمین شده و صیحه و غرشی ایجاد کرده است، به‌ویژه که پس از ورود بر اثر اصطکاک با جو زمین گداخته شده و سپس منفجر و متلاشی شده است. در نتیجه بارانی از سنگ‌ها که گداخته هم بودند، بر سر آن‌ها باریده است.

پس از توجه به شهاب‌سنگ‌های آسمانی که نمونه کوچکی است، دوباره به ستاره دنباله‌دار مذکور باز می‌گردیم؛ ستاره‌ای که در حال نزدیک شدن به زمین است. براساس محاسبات اولیه اسمیت، امکان برخورد این ستاره دنباله‌دار با زمین، یک دهه‌زارم است، ولی اگر این برخورد صورت گیرد چه خواهد شد؟ اگر شب باشد، مردم ستاره‌ای

گویا مجازات قوم لوط با صیحه و غرشی سهمگین آغاز شده است. یک شهاب‌سنگ بزرگ که توسط فرشتگان مأمور و با انرژی‌هایی که در اختیار داشتند حساب‌شده و هدایت‌یافته و از بالای سر قوم لوط وارد جو زمین شده و صیحه و غرشی ایجاد کرده است، به‌ویژه که پس از ورود بر اثر اصطکاک با جو زمین گداخته شده و سپس منفجر و متلاشی شده است. در نتیجه بارانی از سنگ‌ها که گداخته هم بودند، بر سر آن‌ها باریده است





عظیم خواهد شد و (در نتیجه متعاضد شدن گازهای خورشیدی) ستارگان به گونه‌ای تیره دیده می‌شوند.

آسمان‌ها در واقعه قیامت

آنچه باقی می‌ماند، مباحثی است که قرآن کریم در حادثه قیامت درباره آسمان‌ها مطرح کرده است. بحث گسترده درباره آن در این نوشتار ضرورتی ندارد، اما اشارتی گذرا برای روشن شدن سمت و سوی بحث مناسب است. از این رو، به‌طور خلاصه به مسئله «سما» و «سبع سموات» می‌پردازیم.

معنای سما

«سما» در لغت عرب به معنای بالاست و قرآن کریم هم آن را در همین معنا به کار برده است. چنان‌که درباره شجره طیبه (خرما) می‌فرماید: (... اصلها ثابت و فرعها فی السماء) (ابراهیم/ ۲۴) ریشه آن پابرجا و شاخ‌های آن در آسمان است. و نیز می‌فرماید:

(و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم) (بقره/ ۲۲ و ابراهیم/ ۳۲): آبی را از آسمان نازل کرد و بدان آب باران، میوه‌ها و دانه‌ها برآورد تا روزی شما باشد.

منظور از هفت آسمان

منظور از هفت آسمان، هفت چیزی است که در بالای سر ما قرار دارد. درباره هفت آسمان، نظرهای گوناگونی بیان شده است. هنگامی که این نظرها را به آیات قرآن کریم بازگردانیم، هیچ کدام نمی‌تواند با همه آیات منطبق باشد؛ جز یک نظر که امکان هماهنگی آن با آیات قرآن وجود دارد. در اینجا تنها به این نظریه اشاره می‌کنیم و تفصیل آن را به نوشتار اصلی ارجاع می‌دهیم. می‌دانیم که در فضا، بالا و پایین وجود ندارد، مگر اینکه ما نسبتی را در نظر بگیریم و یا مرکزیتی را قرارداد کنیم. پیش از بیان مسئله، به نکاتی درباره هفت آسمان از متن قرآن اشاره می‌کنیم.

قرآن کریم می‌فرماید: (قل أنکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له اندادا ذلک رب العالمین) * و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها

اقواتها فی اربعة ایام سواء للسلالین * ثماستوی الی السماء و هی دخان فقلال لها و للارض اثتیا طوبها ارکها قالتا اتیناطبعین فقضاهن سبع سماوات فی یومین و اوحی فی کل سما امرها و زینا السماء الدنیا بمصابیح و حفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم) (فصلت/ ۱۲ - ۹).

بگو: آیا به آن خدایی کافر می‌شوید که کره خاک را ظرف دو روز آفرید؟ آیا برای او همتا می‌تراشید، همان که پروردگار عالمیان است؟ و در این - کره خاکی - کوه‌های پا بر جا از بالای آن قرار داد و در این - کره - برکت و آبادانی نهاد و در چهار روز غذا را در آن مقدر فرمود که درست به اندازه نیاز خواستاران است. سپس به‌سوی آسمان استوا یافت و آسمان توده‌ای بود از دود و گاز. خداوند به آن دود و به زمین گفت: «با من بیایید خواه و ناخواه.» گفتند: «هی آییم خواهان.» پس خداوند آن دودها را به هفت آسمان بیاراست، در دو روز، و وظیفه هر آسمانی را به آن وحی کرد و پیام داد؛ و آسمان نزدیک‌تر را با چراغ‌های شب‌تاب زینت بخشیدیم و در حفاظت قرار دادیم. این است تقدیر خدای عزتمند دانان. در این آیات نکات زیر درخور توجه است:

۱. طولانی تر بودن آماده‌سازی زمین

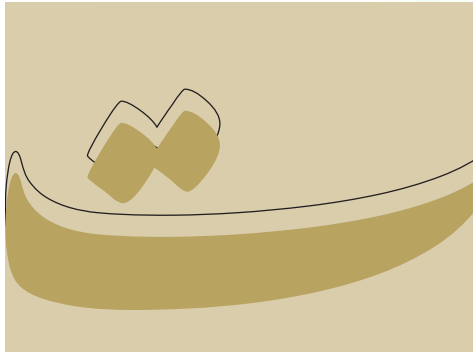
خدای رحمان، زمین را در دو روز یا دو برهه آفرید و در دو روز هم پرداخت نمود و آن را آبادان کرد تا برای زندگی بشر فراهم شود. بنابراین پرداختن به زمین در مجموع چهار روز طول کشید که با دو روزی که آسمان در آن آفریده شد، شش روز می‌شود. در آیات ۳۸ سوره ق و ۷ سوره هود بر این شش روز تصریح شده است.

بنابراین، خلقت زمین و ساختار آن در مجموع بیش از هفت آسمان زمان برده است. پس زمین و آسمان باید اموری مشابه و با یکدیگر قابل مقایسه باشند.

۲. مقدم بودن زمین در آفرینش

در آیات بالا به روشنی بیان شده است که خداوند پس از آفرینش زمین و آماده‌سازی آن، به آسمان پرداخته است. با این حساب زمین پیش از هفت آسمان بنا شده است و آسمان‌های هفت‌گانه عمری کمتر از زمین

منظور قرآن کریم از هفت آسمان، همه کائنات نیست و ستاره‌های درخشان که ما در شب می‌بینیم، نمی‌تواند از مجموعه هفت آسمان باشد. زیرا این‌ها هر کدام خورشیدی کهن هستند که عمر بسیاری از آن‌ها از زمین و منظومه ما بسیار بیشتر است



۱. (وینینا فوقکم سبعاً شدادا) (نبا / ۱۲): بر فراز شما هفت شیء محکم و سخت آفریدیم. (ولقد خلقنا فوقکم سبع طرائق و ما کنا عن الخلق غافلین) (مؤمنون / ۱۷) ما بر فراز شما هفت راه و مدار را آفریدیم و از خلق بی خبر نیستیم. ۳. (الذی خلق سبع سماوات طباقاً...) (ملک / ۳): آن خدایی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید

۲. (ولقد خلقنا فوقکم سبع طرائق و کنا عن الخلق غافلین) (مؤمنون / ۱۷) ما بر فراز شما هفت راه و مدار را آفریدیم و از خلق بی خبر نیستیم.

۳. (الذی خلق سبع سماوات طباقاً...) (ملک / ۳): آن خدایی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید.

روشن است که تعبیر «شدادا» می تواند به خود کرات بازگردد و «طرائق» به مدارهای آن ها و «طباقاً» به فلک های آن ها. با دقت در نظرهای گوناگون می توان دریافت که تنها این نظر می تواند با مجموعه آیات مربوط منطبق باشد. این آیه نیز قرینه ای دیگر در تأیید این نظر است: (و لم یر الذین کفروا ان السماوات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون) (انبیاء / ۳۰): آیا رأی کافران بر این نیست که آسمان ها و زمین چسبیده بودند و ما آن ها را شکافتیم و جدا کردیم و همه موجودات زنده را از آب قرار دادیم؟ آیا باز هم ایمان نمی آورند؟

نقد یک نظر

البته درباره هفت آسمان یک نظریه مشهور شده است که شایسته است در اینجا ارزیابی شود.

قرآن کریم می فرماید: (... و زینا السماء الدنيا بمصابیح...) (فصلت / ۱۲): ما آسمان دنیا را به چراغها آذین بستیم.

این آیه و آیاتی نظیر آنکه درباره زینت آسمان دنیا سخن می گوید، باعث پیدایش این نظریه شده است که آنچه ما در شب در آسمان می بینیم، ستارگان شب تاب آسمان اول هستند و آسمان دوم برای ما مشهود و معلوم نیست.

پیش تر دیدیم که این نظر با آیاتی دیگر درباره آسمان ها سازگاری ندارد. زیرا هفت آسمان پس از زمین به وجود آمده اند، در حالی که ستارگان شب تاب هر کدام یک خورشید هستند. به ویژه که قرآن کریم همین چراغ های زینتی را سبب رجم شیاطین می داند.

واقعیت این است که این چراغها که در قرآن بیان شده اند، ستارگان مشهود ما نیستند. بلکه سنگ پاره های آسمانی از جرقه های کره منهدم شده میان مریخ و

دارند. از این مطلب می توان دریافت که منظور قرآن کریم از هفت آسمان، همه کائنات نیست و ستاره های درخشانی که ما در شب می بینیم، نمی تواند از مجموعه هفت آسمان باشد. زیرا این ها هر کدام خورشیدی کهن هستند که عمر بسیاری از آن ها از زمین و منظومه ما بسیار بیشتر است.

۳. هم زمانی حرکت

زمین و توده گاز با هم به حرکت درآمده اند. پس حرکت آن توده گاز، باید در مداری مانند مدار زمین شکل گرفته باشد.

۴. تبدیل به هفت پیکره

آن توده گاز در زمان حرکت به هفت پیکره تبدیل شده و این تبدیل دو روز طول کشیده است.

حال با توجه به آنچه گذشت، فرضیه زیر را یادآور می شویم. شایان ذکر است که تنها این فرضیه می تواند با آیات قرآن منطبق باشد. اگر خورشید را مرکز منظومه بدانیم، کراتی در مدارهای بزرگ و کوچک بر گرد آن در گردش اند و هر مداری در فلکی فرضی قرار دارد. بدین ترتیب، هر چه از خورشید دورتر شویم، مدارها بزرگ تر می شوند و همچنین فلکها به گونه ای شبیه حلقه های پیاز بالای یکدیگر قرار می گیرند.

زمین سومین کره و مدار آن، سومین مدار است و فلک آن بر فراز فلک عطارد و زهره قرار دارد. اما مریخ بالاتر از زمین است و فلک و مدار آن بر فلک و مدار زمین احاطه دارد. از این رو مریخ نخستین آسمان زمین است. آسمان دوم زمین در هم ریخته و به صورت خرده سیارات موجود است و سومین آسمان زمین مشتری است. آسمان های بعدی آن عبارتند از: زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون.^۷

جالب است که در قرآن کریم سه تعبیر زیر ملاحظه می شود که یک تعبیر به خود کرات مربوط می شود و تعبیر دیگر به مدارها و تعبیر سوم به فلک آنها:

۱. (و بنینا فوقکم سبعاً شدادا) (نبا / ۱۲): بر فراز شما هفت شیء محکم و سخت آفریدیم.

هنگامی که به آیات مربوط به آسمان‌ها در حادثه قیامت برمی‌خوریم، تمام کائنات را تصور نکنیم، بلکه مجموعه‌ای هماهنگ با زمین را در نظر بگیریم و در حقیقت تنها به فضای منظومه شمسی بیندیشیم. در این صورت برخی از آیات مربوط به آسمان در قیامت، درباره هفت کره خواهد بود و برخی مربوط به یکی از این کرات و برخی آیات مربوط به بازسازی این کرات پس از درهم ریختن آن‌ها



مشتری هستند.

قرآن کریم می‌فرماید: (انا زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب * و حفظا من كل شیطان مارد * لا یسمعون الی الملا الاعلی و یقذفون من كل جانب) (صافات/ ۸- ۶): ما آسمان نزدیک‌تر را با زیور کوكب‌ها آذین بستیم و آن كوكب‌ها - و سیارک‌ها - را دژی ساختیم برای جلوگیری از هر شیطان سرکش تا گوش فرا ندهند به ملاً اعلی - و کارگزاران عالم بالا - و سنگ باران شوند از هر سوی.

مصایح جمع مصباح و به معنای چراغ‌هاست. کواکب نیز جمع کوكب است و کوكب در لغت به معنای جرقه آتش است؛ چنان که گفته می‌شود: «كوكب الحديد». عرب ستارگان را به این دلیل كوكب می‌خواند که مانند جرقه آتش کوچک و درخشان هستند. این كوكب‌ها چراغ آسمان اول و سبب زینت آن هستند. براساس نظریه‌ای که بیان شد، این‌ها زینت و چراغ مریخ‌اند که آسمان اول و نزدیک‌تر است و از افق مریخ کاملاً مشهودند. افزون بر این، همین «کواکب» و «چراغ‌ها» سبب رجم شیاطین هستند تا نتوانند از محدوده‌ای بالاتر روند. قرآن کریم می‌فرماید: (و لقد زینا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر) (ملک/ ۵): و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آن‌ها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم. ضمیر «ها» در «جعلناها» به مصایح برمی‌گردد و معنای آیه چنین می‌شود: ما آسمان دنیا را به چراغ‌هایی زینت بستیم که این چراغ‌ها را «رجوم» برای شیاطین قرار دادیم.

«رجوم» جمع «رجم» به معنای سنگ انداختن است. می‌دانیم که غیر از دو کره‌ای که در منظومه ما قرار دارند و ما گاهی آن‌ها را می‌بینیم،^۱ بقیه آنچه به‌عنوان ستاره و چراغ در شب می‌بینیم، مرکز منظومه‌ها هستند.

حال سؤال این است که آیا خداوند این‌ها را برای شیاطین «رجم» قرار داده است؟ این‌ها در آسمان نسبت به ما ثابت هستند، در حالی که «رجم» چیزی است که پرتاب می‌شود. پس منظور از این چراغ‌ها نمی‌تواند کرات آسمانی یا ستارگان ثابتی باشد که در شب دیده می‌شوند. قرآن کریم نیز هیچ‌گاه نفرموده است که ما نجوم را رجم شیاطین قرار دادیم. اما درباره اینکه رجم شیاطین چگونه و به چه دلیل است، در آیات قرآن کریم اشاراتی وجود دارد. به این ترتیب که شیاطین به فضا صعود می‌کردند و در جایگاه‌هایی، روی سنگ‌پاره‌ها، می‌نشستند و بر آنچه توسط فرشتگان الهی نازل می‌شد، گوش می‌دادند. اما پس از نزول قرآن، راه آسمان بر شیاطین بسته شد. از آن پس اگر شیاطین بخواهند از محدوده‌ای مشخص فراتر روند، سنگ‌باران می‌شوند و به منطقه فرشتگان راه نمی‌یابند: (لا یسمعون الی الملا الاعلی...) (صافات/ ۸): شیاطین دیگر نمی‌توانند به حرف‌های ملاً اعلی گوش بدهند و استراق سمع کنند. «ملاً» در اصطلاح قرآن، به معنای «سران قوم و مجریان امور» است؛ مانند: «ملاً فرعون» (اعراف/ ۱۰۳)، «ملاً حضرت سلیمان» (نمل/ ۳۸) و «ملاً بلقیس» (نمل/ ۲۹ و ۳۲). درباره سران قوم نوح آمده است: (قال الملا الذین کفروا من قومه...) (اعراف/ ۶۶).

قرآن کریم در دو آیه از «ملاً اعلا» سخن گفته است که منظور از آن کارگزاران الهی در عالم بالا هستند. به بیانی دیگر، جمعیت سران و کارگزاران عالم بالا که به فرمان خداوند در خدمت روح القدس هستند و فرمان ربوبی را از طریق روح القدس می‌گیرند و اجرا می‌کنند و سپس به جایگاه خود برمی‌گردند، ملاً اعلا هستند. گویا قرآن کریم درصدد بیان این نکته است که محافظتی در آسمان صورت گرفته است و شیاطین نمی‌توانند بدانجا راه یابند و به صحبت‌های ملاً اعلا و فرشتگان گوش بدهند. پس براساس این آیات شریف، آذین بستن آسمان با حفظ همراه است؛ یعنی همان چیزی که وسیله زینت است، وسیله محافظت هم هست و همان چراغ‌ها وسیله رجم هم هستند و دیگر شیاطین نمی‌توانند استراق سمع کنند و اگر بخواهند از منطقه‌ای عبور کنند، از هر طرف سنگ‌باران می‌شوند: (لا یسمعون الی المالا الاعلی و یُذفون من کل جانب * دحورا و لهم عذاب و اصاب * الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب) (صافات/ ۱۰ - ۸): [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند، و از هر سوی پرتاب می‌شوند. با شدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دائم است. مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد.

در جای دیگری می‌فرماید: (ولقد جعلنا فی السماء بروجاً و زینها للناظرین * و حفظناها من کل شیطان رجیم * الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین) (حجر/ ۱۸ - ۱۶): و به یقین، ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم. مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند. کوتاه سخن اینکه آنچه سبب زینت آسمان دنیا، یعنی نزدیک‌ترین آسمان می‌شود،

شهاب‌سنگ‌های سرگردانی هستند که از کره مریخ به راحتی دیده می‌شوند و شب زیبایی را برای آن به وجود می‌آورند و البته از زمین هم با رصد کردن می‌توان آن‌ها را دید.

طرح این نکته، درباره هفت آسمان برای آن است که هنگامی که به آیات مربوط به آسمان‌ها در حادثه قیامت برمی‌خوریم، تمام کائنات را تصور نکنیم، بلکه مجموعه‌ای هماهنگ با زمین را در نظر بگیریم و در حقیقت تنها به فضای منظومه شمسی بیندیشیم. در این صورت برخی از آیات مربوط به آسمان در قیامت، درباره هفت کره خواهد بود و برخی مربوط به یکی از این کرات و برخی آیات مربوط به بازسازی این کرات پس از درهم ریختن آن‌ها؛ مانند این آیه که می‌فرماید: (یوم نظوی السماء کطی السجّل للکتب کما بدأنا اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین) (انبیاء/ ۱۰۴): روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم.^۹ همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم، دوباره آن را بازمی‌گردانیم. وعده‌ای است برعهده ما، که ما انجام‌دهنده آن هستیم.

چکیده

با توجه به نکاتی که قرآن کریم درباره قوم لوط بیان می‌کند، به نظر می‌رسد که آنچه برای قوم لوط پیش آمده، حادثه‌ای حاصل سقوط شهاب‌سنگ آسمانی بوده است. زمین پیش از هفت آسمان بنا شده است و آسمان‌های هفت‌گانه عمری کمتر از زمین دارند. این خود دلیلی است بر اینکه منظور قرآن کریم از هفت آسمان همه کائنات نیست و ستاره‌های درخشانی که ما در شب می‌بینیم، نمی‌توانند از مجموعه هفت آسمان باشند. زیرا این‌ها هر کدام خورشیدی کهن هستند که عمر بسیاری از آن‌ها از زمین و منظومه ما بسیار بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به توضیح است که گویا در قدیم شیپورها را با شاخ گاو درست می‌کردند و بعدها به صورت پیشرفته‌تری درآمد.
۲. می‌دانیم که گذشته از ستاره‌های دنباله‌دار، خرده سیارات در فضای منظومه سیارند. میان مریخ و مشتری، کره بزرگی وجود داشته که منفجر شده است و پاره‌های آن در فضای منظومه، به ویژه میان مریخ و مشتری سرگردانند. در تصاویری که از منظومه شمسی کشیده می‌شود، میان مریخ و مشتری جای خالی یک کره را با نقطه چین نشان می‌دهند. نقطه چین‌ها نمودار «استروئیدها» یا خرده سیارات هستند و تاکنون تعداد زیادی از آنان نام‌گذاری شده‌اند.
۳. مجله دانش و پیش، آذر ۱۳۷۱.
۴. پیشین.
۵. یوم به معنای برهه‌ای از زمان است و روز زمینی ما (۲۴ ساعت) مصداقی از آن است؛ همچنان که ساعات به معنای برهه‌ای کوتاه از زمان است و نه شصت دقیقه‌ما.
۶. ر. ک: آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت.
۷. تفصیل این تئوری را در کتاب هفت آسمان نوشته استاد محمدباقر بهبودی ملاحظه فرمایید.
۸. یکی کره زهره که اول شب پیدا می‌شود و دیگر کره مشتری که گاه با چشم غیر مسلح نیز دیده می‌شود.
۹. در قدیم نامه‌ها را میان جلدی قرار می‌دادند و آن را به صورت لوله پیچ می‌بستند و به مقصد ارسال می‌کردند. کرات سحابی منظومه که از گردش گازها بر گرد یکدیگر آرام آرام سرد و جامد شده‌اند، به همین صورت شکل گرفته‌اند و تصویری که از صحابی‌ها در کتب مربوط آمده، همین گونه است:

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. قریشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳. بهبودی، محمدباقر (۱۳۸۰). معارف قرآنی. نشر سرا، تهران.